

## رمضان، ظهور بهشت برادری و مواسات

پیامبر اکرم (ص): از بهترین اعمال در نزد خدا، خنک کردن جگرهای سوخته و سیر کردن شکم‌های گرسنه است. سوگند به آن کس که جان محمد به دست اوست، به من ایمان نیاورده است آن بنده‌ای که سیر بخوابد و برادر (یا همسایه) مسلمانش گرسنه باشد.

امام علی (ع): خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر سیر خواری ستمگر و گرسنگی مظلوم سکوت نکنند.

امام علی (ع): در هر کجا که خواهی به مردم نظری بیفکن، آیا جز فقیری می‌بینی که از تنگدستی رنج می‌برد؟ یا توانگری که نعمت خداوند را کفران می‌کند؟ یا بخیلی که برای افزودن بر مالش از پرداختن حق خدا بخل می‌ورزد؟ یا طغیانگری که گویا گوشش از شنیدن پندها کر شده؟ خوبان و نیکان شما کجایند؟ و کجایند آزادمردان و سخاوتمندان؟

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (سوره ی فجر، آیات ۳۰-۲۷)  
ای نفس مطمئننه، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو.

امام صادق (ع) درباره آیات پایانی سوره ی فجر فرمود: این، در حق کسی است که پارسا باشد و نسبت به برادرانش مواسات کند<sup>۱</sup> و با آنها پیوند برقرار سازد؛ اما اگر پارسا و برقرارکننده پیوند با برادران نبود، به او گفته می‌شود: «چه چیزی مانع تو از پارسایی و مواسات نسبت به برادرانت شد؟ تو از آن کسانی هستی که به زبان دم از محبت می‌زدند؛ ولی در عمل آن را راست نمی‌آوردند.» پیامبر خدا و امیر مؤمنان، هر گاه او را دیدار کنند، از او روی می‌گردانند و بر او چهره در هم می‌کنند و شفیعان او نخواهند بود<sup>۲</sup>.

\*\*\*

□ امام صادق (ع): اطعام مؤمنی را دوست‌تر از آن دارم که ده بنده آزاد کنم و ده حج به‌جای آورم. [راوی حدیث (نصر بن قابوس) می‌گوید: گفتم: «ده بنده و ده حج؟» فرمود: [ای نصر، اگر غذایش ندهید یا خواهد مرد، یا او را ناگزیر کرده‌اید که پیش دشمن برود و چیزی بخواهد؛ و مرگ برای او بهتر از خواستن چیزی از دشمن است. ای نصر! هر که مؤمنی را زنده کند، چنان است که همه‌ی مردم را زنده کرده باشد.

□ امام صادق (ع): در ماه رمضان، سدیر بر پدرم وارد شد. فرمود: «ای سدیر! می‌دانی این شب‌ها، چه شب‌هایی است؟». گفت: آری؛ پدرم فدایت! این شب‌ها، شب‌های ماه رمضان است. مگر چه طور؟ [پدرم] به او فرمود: «آیا می‌توانی هر شب از این شب‌ها، ده نفر از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟». سدیر به او گفت: پدر و مادرم، فدایت! ثروتم به این اندازه نمی‌رسد. [پدرم] پیوسته کم می‌کرد تا به یک برده رسید؛ ولی سدیر در همه‌ی این موارد می‌گفت: نمی‌توانم. [پدرم] فرمود: «آیا نمی‌توانی هر

<sup>۱</sup> مواسات: همدردی با دیگران و سهیم کردن ایشان در امکانات زندگی

<sup>۲</sup> دانشنامه میزان‌الحکمه، حدیث ۱۷۵۶ (جلد سوم، ص ۴۶۱)

شب، مرد مسلمانی را افطاری دهی؟». پاسخ داد: چرا. ده نفر را هم می توانم. پدرم به او فرمود: «ای سدیر! همین را می گفتم.

افطاری دادنت به برادر مسلمانت، برابر است با [آزاد کردن] برده‌ای از فرزندان اسماعیل(ع).»

□ امام باقر(ع): رسول خدا(ص) فرمود: «این ماه، ماه صبر است و پاداش صبر، بهشت است. این ماه، ماه مواسات (همدردی با دیگران در نیازها) است و ماهی است که در آن، خداوند، روزی مؤمن را می افزاید. هر کس مؤمن روزه‌داری را در آن افطار دهد، نزد خداوند، پاداش آزاد کردن یک بنده و آموزش گناهان گذشته‌اش را دارد». گفتند: ای رسول خدا! همه‌ی ما توان افطار دادن به روزه‌دار را نداریم. فرمود: «خداوند، کریم است؛ این پاداش را به کسی نیز می دهد که برای افطار دادن، جز بر جرعه‌ای شیر یا جرعه‌ای آب و یا چند خرما قدرت ندارد و بیش از این را نمی تواند [...]».»

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس روزه‌داری را افطاری دهد، مثل پاداش و هر عمل خوبی که روزه‌دار با نیروی آن غذا انجام می دهد، بدون آن که از پاداشش چیزی کم شود، برای افطاری دهنده است.

□ پیامبر اکرم(ص): افطاری دادنت به برادر مسلمانت و خوشحال کردن او، پاداشی بزرگتر از روزه‌داری تو دارند.

□ پیامبر اکرم(ص) - ای علی! مؤمن در دنیا سه خوشحالی دارد: دیدار برادران، افطاری دادن به روزه‌دار، و عبادت در آخر شب.

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس مؤمنی را در ماه رمضان افطاری دهد، پاداش کارش [پاداشی برابر با پاداش] آزاد کردن بنده و [نیز] آموزش گناهان گذشته اوست. پس اگر به جز جرعه‌ای شیر یا جرعه‌ای آب گوارا و خرما به روزه‌داری افطاری ندهد و بیش از این هم نتواند، خداوند همان پاداش را به او می دهد.

\*\*\*

عالم ربّانی مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی گفته است: از مهم ترین کارهای این ماه، افطاری دادن به روزه‌داران است. پاداش آن را در خطبه‌ی پیامبر(ص) شنیده‌ای. مهم تر، آن است که در این کار، نیت خالص و مؤدّب شدن به ادب الهی باشد و این که انگیزه آن جز به دست آوردن رضای خدا نباشد، نه ابراز شرافت دنیا و نه شرافت آخرت، نه تقلید و نه رسم و عادت. باید بکوشد تا عمل خود را از این هدف‌ها خالص سازد و آن را با برخی آزمون‌ها بیازماید و از فریبکاری هوای نفس و شیطان، خاطر جمع نباشد و هم در اصل افطاری دادن، هم در تعیین کسانی که به آنان افطاری می دهد(مؤمنان)، هم در نوع غذا و هم در کیفیت برخورد با می همانش، از خداوند مدد بجوید؛ چرا که همه‌ی این‌ها با اهداف مختلف، کیفیت‌های متفاوت می یابند. بیدار دلان، راه‌های ورود شیطان را در این موارد می شناسند و از آن چه موافق دستور شیطان است، پرهیز می کنند و پیرو چیزی می شوند که موافق فرمان و رضایت مالک دین و دنیایشان است. در نتیجه به پذیرش الهی نایل می شوند و از پاداش‌های او بیش از حد آرزوهایشان برخوردار می گردند. همچنین درباره‌ی قبول دعوت دیگری برای افطار، در اخلاص نیتش بکوشد؛ چون گاه کسی که با اخلاص، دعوت مؤمنی را می پذیرد و در مجلس افطار او حاضر می شود، بهره‌ای می برد که با عبادت دراز مدّت، به آن نمی رسد. از این رو، همت اولیای خدا بر خالص سازی کارها بوده است، نه زیاد بودن آن‌ها. و این، عبرت گرفتن از کار آدم و ابلیس است؛ چرا که عبادت هزاران ساله‌ی آن خبیث، رد شد و یکبار توبه خالصانه‌ی آدم، پذیرفته گشت و مایه برگزیدگی اش شد.

\*\*\*

□ امام رضا(ع) - در مجموعه‌ای که فضل بن شاذان از سخنان ایشان درباره‌ی حکمت واجبات، گرد آورده است - پس اگر گفته شود: «چرا مأمور به روزه شدند؟»، گفته می‌شود: تاریخ گرسنگی و تشنگی را بشناسند و نشانی بر نیاز آخرت بیابند و تا روزه‌دار، خاشع، فروتن، شکسته، پاداش یافته، امیدوار به اجر الهی و عارف گردد و بر گرسنگی و تشنگی‌ای که به او می‌رسد، شکیبیا شود تا شایسته پاداش گردد، به علاوه‌ی خودداری از برآوردن خواسته‌های نفس، و برای این که روزه، در دنیا مایه‌ی پند آنان شود و سبب تمرین آنان بر انجام دادن تکلیف‌های خدا و راهنمای آنان در پاداش گردد و تا بدانند که چه سختی‌هایی بر فقیران و بینوایان در دنیا می‌گذرد؛ پس آن‌چه را خداوند برای فقیران در اموال آنان واجب ساخته، به آنان بپردازند.

□ امام باقر(ع): پیامبر اکرم(ص) می‌فرمود: خدا را در هر عید فطری، آزادشدگانی است که آنان را از آتش می‌رهاند. هر شب [رمضان] منادی ندا می‌دهد: «آیا خواهنده‌ای هست؟ آیا استغفارکننده‌ای هست؟ خدایا! به هر انفاق‌کننده‌ای جایگزین عطا کن و هر امساک‌کننده [از انفاق] را دچار تلف [در مال] ساز!». تا آن‌که هنگامی که هلال شوال بر می‌آید، مؤمنان را ندا می‌دهند که: «به سوی جایزه‌هایتان بشتابید، که امروز روز جایزه است!». [سپس امام باقر(ع) فرمود: ] به خدایی که جانم در دست اوست، آن جایزه دینار و درهم نیست.

□ امام صادق(ع): امام سجاد(ع) هر روز که روزه می‌گرفت، دستور می‌داد که گوسفندی ذبح شود و قطعه قطعه و پخته گردد. عصر که می‌شد، بر روی دیگ‌ها خم می‌شد تا بوی آب گوشت را در حال روزه احساس کند. سپس می‌فرمود: «ظرف‌ها را بیاورید. برای فلان خانواده بریزید. برای فلان خانواده بریزید...». سپس نان و خرمای خشک می‌آوردند و غذایش همان بود. درود خدا بر او و پدرانش باد!

□ سنن الترمذی - به نقل از انس - از پیامبر(ص) پرسیدند: ... کدام صدقه برتر است؟ فرمود: «صدقه در [ماه] رمضان».

□ صحیح البخاری - به نقل از ابن عباس - پیامبر(ص) در بخشش، از همه مردم بخشنده‌تر بود و بیشترین بخشندگی او، وقتی بود که در ماه رمضان، جبرئیل او را دیدار می‌کرد و جبرئیل در [ماه] رمضان، هر شب، ایشان را دیدار می‌کرد تا آن‌که ماه رمضان سپری شود. و پیامبر(ص)، قرآن را بر او عرضه می‌کرد. پس وقتی جبرئیل او را دیدار می‌کرد، در بخشندگی، بخشنده‌تر از بادِ وزان [نسبت به باران] بود.

\*\*\*

### بخش‌هایی از نامه ۴۵ نهج البلاغه [خطاب به عثمان بن حنیف، کارگزار امام در بصره]:

پس از [ستایش و سپاس]، پسر حنیف! به من گزارش رسیده است که یکی از جوانان بصره تو را به مهمانی‌ای فرا خوانده پس تو هم بدان جا شتافته‌ای، خواسته‌اند خوراکی‌های خوش‌رنگ در پیش تو نهند، و کاسه‌های بزرگ به نزدت آورند. گمان نمی‌بردم که تو رفتن به خوراکی مردمی را پذیرا شوی که نیازمندان با درشتی از در رانده، و بی نیازشان به مهمانی فرا خوانده شده باشند. پس بدان چه از این خوردنی می‌خوری نیک بنگر: در نتیجه چیزی که دانستن [پاکی و ناپاکی‌اش] بر تو روشن نیست از دهان بیرون بیانداز، و از چیزی دریافت کن و بخور که به جهت‌های پاکی آن یقین پیدا کرده‌ای.

بدان که هر پیروی را پیشوایی است که روش او را در پیش می‌گیرد، و از روشنایی دانش او فروغ می‌جوید؛ بدان که بی گمان پیشوای شما از این جهان خود به دو جامه کهنه بسنده کرده است، و از خوراکی خویش به دو گرده‌ی نان. و بدانید که شما آن کار را نمی‌توانید انجام داد، لیکن با گونه‌ای پارسایی و تلاش، [و اندازه‌ای پاکدامنی و درستکاری] مرا یاری دهید.

[...] جز این نیست که این نفس خود را چنان با پروا پیشگی ورزیده سازم که در روز بزرگ‌ترین بیمناکی، آسوده و در امان بیاید، و بر لبه‌های لغزشگاه پایدار بماند.

و اگر می‌خواستیم بی‌گمان راه دست یافتن به پالوده‌ی این شهد، و مغز این گندم، و بافته‌های این ابریشم را می‌دانستیم؛ لیکن بسی دور است نفس من که بر من چیره گردد، و آزمندی‌ام مرا به سوی گزینش خوراکی‌ها کشاند، در حالی که چه بسا کسی در حجاز یا یمامه باشد که نتواند به گرده نانی هم چشم داشته باشد، و سیری را هرگز به یاد نداشته باشد؛ یا با شکم انباشته شب را به سر برم با این که پیرامون من شکم‌هایی باشد سخت گرسنه و جگرهایی تشنه، یا چنان باشم که گوینده‌ی (شعر) گوید:

تورا این درد بس است که شب را با شکم پر به سر بری و گرداگردت جگرهایی در آرزوی مشکچه‌ای آب بسوزد

آیا از خویشتن بدین خرسند شوم که [به من] بگویند «امیر مؤمنان» و در ناخوشی‌های روزگار با آنان شرکت نداشته باشم؟ یا در درشتی و ناگواری زندگی الگویی برای آنان نشوم؟! مرا نیافریده‌اند که همچون چارپای در آغل بسته که همه خواستش پرداختن به علف است، یا چار پای رها شده‌ای که سرگرمی‌اش جست و جوی در خاکروب‌ها باشد تا شکمبه را از علف‌های آن بینبارد، و از آنچه می‌خواهند با آن کنند بی‌خبر باشد، خوردن خوراکی‌های خوش و گوارا مرا به خود سرگرم سازد، یا بی‌هدف رها شده باشم، یا بیهوده به خود واگذار شده باشم، یا ریسمان گمراهی [بر گردنم افکنده] بکشند، یا کژ راه‌ای در پیش گرفته راه سرگردانی را بییمایم!

و گویی هم‌اکنون به گوینده شما می‌نگرم که می‌گوید: «اگر خوراک پسر ابی طالب این است، پس ناتوانی او را از نبرد با هم‌آوردان باز نشانیده و از درگیری با دلیران بازداشته است.» باید بدانید که درخت بیابانی را چوبی است سخت‌تر، و سبزه‌های زیبای بوستانی را پوست‌هایی نازک‌تر، و رستنی‌هایی که تنها با باران آبیاری می‌شوند شعله آتشی نیرومندتر، و خاموش شدن شعله آن دیرتر است.

\*\*\*

**بخش‌هایی از نامه ۴۷ نهج‌البلاغه [در وصیت به حسن و حسین علیهما السلام، هنگامی که ابن‌ملجم او را ضربت زد]:**

شما و همه‌ی فرزندانم و کسانم و آن را که نامه‌ی من بدو رسد، سفارش می‌کنم به پروای خدا را داشتن و آراستن کارهایتان، و اصلاح بین خود، که من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: «اصلاح کردن [رابطه] میان مردمان از همه‌ی نماز و روزه‌ها برتر است». خدا را! خدا را! درباره‌ی یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده‌ی پیامبر شمایند، پیوسته درباره‌ی آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود. و خدا را! خدا را! درباره‌ی قرآن، مبادا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن.

[...] و خدا را! خدا را! درباره‌ی جهاد در راه خدا به مال‌هاتان و به جان‌هاتان و زبان‌هاتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و بذل و بخشش به یکدیگر. مبادا از هم روی بگردانید، و پیوند هم بگسلانید. امر به معروف و نهی از منکر را وا مگذارید که بدترین‌های شما حکمرانی شما را به دست گیرند، آن‌گاه دعا کنید و اجابت نگرند.